

An Examination of the Typology of Communicative Action in the Thought and Practice of Hazrat Fatimah al-Zahra (SA)

Fatemeh Bahjat¹ , Karim Khan Mohammadi²

¹ PhD. Student, Department of Sociology, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran
(Corresponding author). f.bahjat@rihu.ac.ir

² Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. khanmohammadi49@yahoo.com

Abstract

The present research seeks to present a framework serving as a classification and typology of communicative action in the thought and practice of Hazrat Fatimah Zahra (Peace Be Upon Her). The outcome of such a framework is the illustration of the actions reflected in the historical text of the sermons (*khotbah-hā*) of Hazrat Fatimah Zahra (PBUH) and Her practical conduct (*sīrah-ye 'amālī*), for the purpose of gaining a better understanding of the social, political, and historical conditions. The application of new linguistic theories in the analysis of religious texts opens new horizons before researchers and reveals the hidden deep structures of speech. Among these linguistic theories is Habermas's Theory of Communicative Action. The results of this research, which was conducted with the objective of tracing the typology of communicative action in the thought and practice of Hazrat Fatimah Zahra (PBUH) using the documentary study method, indicate that three main themes—namely, the use of constative/assertive actions, the unique capacity-building of representative/expressive actions, and the provision of a dialogue platform (through discourse-constitutive actions)—are extensively and significantly reflected in the sermons, narrations, and conduct (*sīrah*) of Hazrat Fatimah Zahra (PBUH) and encompass numerous sub-themes; furthermore, for Her constative/assertive and representative/expressive speech acts, these are communicative/consensual and emancipatory actions against the strategic action of the rulers' domination (*saltanat*).

Keywords: Hazrat Fatimah Zahra (PBUH), Communicative Action, Constative/Assertive Action, Representative/Expressive Action, Discourse-Constitutive Actions, Fadak Sermon, Speech.

Cite this article: Bahjat, F. & Khan Mohammadi, K. (2025). An Examination of the Typology of Communicative Action in the Thought and Practice of Hazrat Fatimah al-Zahra. *Hawzah culture and social studies*. 9(1), p. 63-82.

Received: 2024-10-17 ; **Revised:** 2024-12-06 ; **Accepted:** 2025-02-09 ; **Published online:** 2025-04-09

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



بررسی گونه‌شناسی کنش ارتباطی در اندیشه و عمل حضرت زهرا(س)

فاطمه بهجت^۱، کریم خان‌محمدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول). f.bahjat@rihu.ac.ir

^۲ استاد، گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. khanmohammadi49@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر درصدد ارائه طرحی به‌مثابه‌سخت‌بندی و گونه‌شناسی کنش ارتباطی در اندیشه و عمل حضرت زهرا(س) است. رهاورد چنین طرحی، تصویرسازی از کنش‌های انعکاس یافته در متن تاریخی خطبه‌های حضرت زهرا(س) و سیره عملی ایشان به منظور درکی بهتر از شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی است. کاربست نظریه‌های جدید زبان‌شناسی در تحلیل متون دینی افق‌های جدیدی را فراروی محققان می‌گشاید و ژرف‌ساخت‌های پنهان کلام را آشکار می‌سازد. ازجمله این نظریه‌های زبان‌شناسی، نظریه کنش ارتباطی هابرماس است. نتایج این پژوهش که باهدف ردیابی گونه‌شناسی کنش ارتباطی در اندیشه و عمل حضرت زهرا(س) و به روش مطالعه اسنادی صورت گرفت، نشان می‌دهد که سه مضمون اصلی استفاده از کنش‌های اظهاری و ظرفیت‌سازی منحصربه‌فرد کنش‌های بازنمودی (عاطفی) و نیز فراهم آوردن بستر گفتگو به‌واسطه کنش‌های گفت‌وگومان‌ساز به‌طور وسیع و معنی‌داری در خطبه‌ها و روایات و سیره حضرت زهرا(س) انعکاس یافته و مضامین فرعی فراوانی را به خود اختصاص داده است و برای آن کنش‌های گفتاری، اظهاری و بازنمودی حضرت زهرا(س)، کنش‌های تفاهمی و رهایی‌بخش در برابر کنش استراتژیک سلطه حاکمان است.

واژه‌های کلیدی: حضرت زهرا(س)، کنش ارتباطی، کنش اظهاری، کنش بازنمودی، کنش‌های گفت‌وگومان‌ساز، خطبه فدک، کنش گفتاری.

استاد به این مقاله: بهجت، فاطمه؛ خان‌محمدی، کریم (۱۴۰۴). بررسی گونه‌شناسی کنش ارتباطی در اندیشه و عمل حضرت زهرا(س). مطالعات فرهنگی/اجتماعی حوزه، ۹(۱)، ص ۶۳-۸۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

https://gnoe.bou.ac.ir/

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.





۱. مقدمه

خطبه‌ها و سخنرانی‌های حضرت زهرا(س) متنی تاریخی، اجتماعی و سیاسی است که در طول تاریخ، مورد توجه اندیشمندان واقع شده و از متون مورد استناد در تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی بعد از رحلت رسول خدا(ص) محسوب می‌شود. از این رو، پرداختن به گونه‌شناسی ارتباطی در خطبه‌های حضرت زهرا(س) در کنار توجه به سیره عملی ایشان، راهگشای فهم بهتری از بافت موقعیت‌ها و شرایط پنهان تاریخی در زمانه زندگی حضرت زهرا(س) و شرایط پیش آمده بعد از رحلت حضرت رسول(س) است. دو خطبه فدکیه و خطبه معروف به عیادت، از مشهورترین خطبه‌های حضرت زهرا(س) هستند که به عنوان متن مورد تحلیل در این پژوهش به آن پرداخته شده است. نظریه‌های زبان‌شناسی می‌توانند در تحلیل متون دینی، مورد استفاده واقع شوند؛ چراکه هر دو در حوزه پرداختن به زبان، مشترک‌اند. نظریه کنش گفتاری^۱ که به تحلیل و تفسیر زبان در رابطه با کنش‌گر و فاعل می‌پردازد؛ در تحلیل و فهم متون دینی، کارآمد است. نظریه کنش گفتاری، متعلق به جان آستین است که بعدها شاگرد او، جان سرل، آن را بسط و گسترش داد. با استفاده از انحاء کنش‌های گفتاری، می‌توان مفاهیم نهفته و پنهان در ژرف‌ساخت‌های کلام را کشف کرد. هابرماس نیز از ایده آستین در راستای تبیین نظریه کنش ارتباطی استفاده می‌کند. در این پژوهش، از نظریه کنش ارتباطی هابرماس بهره گرفته شده و به گونه‌شناسی کنش‌های ارتباطی انعکاس‌یافته در خطبه‌ها و سیره عملی حضرت زهرا(س) پرداخته شده است. نظریه‌های زبان‌شناختی و متون و اندیشه‌های دینی، اگرچه در دو بستر کاملاً متفاوت نضج یافته‌اند؛ اما ارائه مدلی از گونه‌شناسی ارتباطی، می‌تواند افق‌های جدیدی را به روی محققان اسلامی بگشاید و جوانب پنهانی معنی متون تاریخی و دینی و بافت موقعیتی آنها را به صورت ژرف‌نگرانه کشف و بررسی نماید.

۲. ملاحظات نظری

نظریه کنش ارتباطی، با الهام از نظریه کنش گفتاری جان آستین، توسط هابرماس مطرح شد. او در کتاب معروف «نظریه کنش ارتباطی» خود، آن را به طور مفصل بسط داد. در نظریه کنش ارتباطی، اصلی‌ترین عنصر گفتار است که زبان در آن نقش محوری و اساسی دارد. آنچه اهمیت می‌یابد، توجه به نقش وضعیت کاربرد زبان توسط کاربر آن است. برخلاف برخی نظرات زبان‌شناسی دیگر که زبان را به عنوان یک سیستم معانی در نظر دارند؛ هابرماس این رویکرد را با الهام از مباحث زبان‌شناسی اعمال گفتاری آستین و جان سرل اتخاذ می‌کند (وایت، ۱۳۸۰، ص ۷۲). مفاهیم توانش ارتباطی، کنش‌های چهارگانه ارتباطی، دوگانه زیست جهان و سیستم (نظام) و مفهوم حوزه عمومی، از بنیادی‌ترین مفاهیم نظریه کنش ارتباطی هابرماس هستند.

1. speech act theory

۲-۱. توانش ارتباطی

زبان و فرهنگ، به عقیده هابرماس، اجزا و عناصر مقوم و سازنده زیست جهان به شمار می‌روند. او نقش مهمی برای دو عنصر زبان و فرهنگ در ارتباط با تکوین زیست جهان قائل است (نوذری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۳). هدف هابرماس توجه به زبان و کنش، روشن ساختن این موضوع است که چگونه کنش متقابل زبانی، پیش شرط گفت‌وگوی عقلانی محسوب می‌شود و نیز تأکید بر اینکه زبان قابل فروکاستن به ساحت‌های ابزاری نیست. کنش‌های گفتاری کنشگرانی که از لحاظ ارتباطی کارآمد هستند، با سلسله‌ای از مقررات، هم‌نوا می‌شود. تحلیل کنش‌های گفتاری، نشان داده که گویندگان به‌هنگام گفتن چیزی، کاری هم انجام می‌دهند؛ کاری که به آن نیروی غیربیانی گفته می‌شود. هابرماس معتقد است که هسته جهان‌شمول بسیاری از چیزها در گوناگونی است که گویندگان در بیان جمله‌ها انجام می‌دهند؛ که عبارت است از قرار دادن نمادها در سیستمی از داعیه‌های اعتبار. هنگامی که گوینده، خود را در راستای فهمیدن قرار می‌دهد، و در کنش ارتباطی درگیر می‌شود. کنش ارتباطی او باید سه‌گونه عقلانیت یا داعیه اعتبار را به‌وجود آورد: حقیقت، مشروعیت هنجاری و درستی یا صداقتی که او باید مسئول آن باشد. کنش‌های برانگیزاننده داعی حقیقت، برای حمایت کردن و پیشنهاد کردن؛ کنش‌های هنجاری با داعیه مشروعیت و تأدیی برای وعده دادن و تجویز کردن و تبیینی‌ها، برای صمیمیت یا صداقت به‌کار می‌روند (وایت، ۱۳۸۰، ص ۷۳). داعیه‌های اعتبار در یک وضعیت کلامی آرمانی، قابل تحقق است که معمولاً در گفت‌وگوی روزمره برخی از داعیه‌ها نقض می‌شود. هابرماس با ترسیم چنین وضعیتی می‌تواند معیاری برای نقد جامعه ابداع کند. او برای بازسازی شرایط عام فهم ممکن یا پیش‌فرض‌های عام ارتباط، اعتبارهای سه‌گانه را طرح کرده است؛ فهمیدنی بودن، صداقت، درستی و صدق هرکسی که در گفت‌وگو شرکت می‌کند. می‌توان سؤالات چهارگانه را از گوینده هر سخنی پرسید؛ زیرا او مدعی این اعتبارها است: چه می‌گویی؟ (فهمیدنی بودن)؛ آیا منظورت این است؟ (صداقت)؛ آیا محقی این را بگویی؟ (درستی یا صحت)؛ آنچه می‌گویی صادق است؟ (صدق)؛ او درصدد است ظرفیت تفاهمی موجود در کنش کلامی را، به کنش اجتماعی تسری دهد (خان محمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۷). تنها زمانی توافق انگیزشی یا اتفاق آراء در هماهنگ کردن کنش‌های بعدی پیش می‌آید که گوینده‌ای بتواند شنوندگان را متقاعد سازد که داعیه‌های عقلانی هستند و ارزش شناخته شدن را دارند. در زمینه کنش ارتباطی، کسی را خردمند و دارای توانش ارتباطی می‌نامیم که نه تنها توان طرح قاطعانه مطلبی را دارد؛ بلکه وقتی انتقاد می‌شود، با ارائه مدارک مستدل پاسخگو است و در ضمن، پیرو هنجار جافتاده‌ای است و می‌تواند در جواب انتقاد، هر موقعیتی را توضیح داده و کنش خود را توجیه کند. خردمند در سایه توانش ارتباطی می‌تواند آرزو یا نیتی را بشناساند؛ احساس یا حالتی را بیان کند؛ رازی را حفظ کند و به کرده‌ای اعتراف کند. بدین‌سان، با بیرون کشیدن نتایج عملی از تجربه علنی شده، منتقدین را خاطر جمع سازد و پس از آن‌هم، پیوسته به همین رفتار ادامه دهد (وایت، ۱۳۸۰، ص ۷۴).



۲-۲. مفهوم کنش ارتباطی

کنش ارتباطی، نوعی کنش اجتماعی با هدف حصول تفاهم می‌باشد که کنش‌گران در ارتباطی متقابل به درک مشترکی از طریق استدلال، وفاق و همکاری می‌رسند. در فضای تحقق کنش ارتباطی طرف‌های کنش، اهداف مضمون در گفتار را تحقق می‌بخشند. مجرای تحقق چنین کنشی، زبان آدمی است. طرف‌های کنش ارتباطی، متکلمی که سخنی را در مضمون یکی از داعیه‌های سه‌گانه (حقیقت، صداقت، صحت) بیان می‌کند و شنونده‌ای است که آن را می‌پذیرد و یا رد می‌کند. هدف از داعیه اعتبار، دست یافتن به نوعی توافق عقلانی بین دو طرف گفت‌وگو است. هابرماس با طرح سه داعیه اعتبار، سه گروه از افعال گفتار را صورت‌بندی می‌کند (هابرماس، ۱۳۹۲: ص ۳۲۳):

۱. افعال گفتاری اخباری که ادعای اعتبار واقعیت موضوعاتی را به مثابه موضوع بحث، مطرح می‌کنند و مربوط به جهان عینی‌اند. شرح یا گزارشی از امور، طرح مواضع و دعاوی، در زمره افعال گفتاری اخباری هستند.

۲. افعال گفتاری تنظیمی، افعالی با ادعای اعتباری صدق، با کارکرد ارتباطی پرداختن به موضوع ارتباط اجتماعی در بین گوینده و شنونده است. بنابراین، نوع افعال گفتاری به هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارند که به جهان اجتماعی نظم می‌دهند. قول دادن، خواهش کردن، توصیه کردن یا عذرخواهی، به این طبقه از افعال بستگی دارد.

۳. افعال گفتاری نمایشی، افعالی با داعیه اعتباری صداقت و کارکرد ارتباطی تبیین وضعیت جهان ذهنی و روحی گوینده کلام است و شامل احساسات و عواطف، انگیزه‌ها و نیت‌ها و نیز عقاید فرد می‌شود. هر گروه از افعال گفتاری فوق به یکی از جهان‌های سه‌گانه عینی، اجتماعی و ذهنی تعلق دارند (Habermas, 1984, p. 66-67).

کارکردهای زبانی بر پایه داعیه‌های اعتبار شکل می‌گیرند و کنش‌های اجتماعی، به دو نوع کنش راهبردی با سازوکار نفوذ (کنش استراتژیک یا راهبردی) و کنش ارتباطی باهدف توافق، تقسیم می‌شوند. کنش راهبردی، شامل افعال گفتاری امری و یا دارای مضمون فریب و نیرنگ با هدف تأثیر گذاردن بر طرف مقابل است. کنش ارتباطی، بهترین نوع کنش اجتماعی بوده و شامل کنش مبتنی بر گفت‌و شنود و کنش هنجاری و کنش نمایش‌پردازانه می‌باشد. هابرماس برای بیان هم‌کنشی‌های مبتنی بر زبان از جدول (۱) استفاده کرده است (همان، ص ۳۲۵).

جدول ۱- هم‌کنشی‌های مبتنی بر افعال گفتاری

نوع کنش	نوع فعل گفتاری	کارکرد	هدف کنش	داعیه‌های اعتبار	رابطه با جهان
۱. کنش راهبردی (استراتژیک)	امری	تأثیر برطرف مقابل	نفوذ	کارآمدی	جهان عینی
۲. کنش ارتباطی گفت‌و شنود	اظهاری	ارائه واقعیت	تفاهم	صدق	جهان عینی



نوع کنش	نوع فعل گفتاری	کارکرد	هدف کنش	داعیه‌های اعتبار	رابطه با جهان
۳. کنش ارتباطی هنجاری	تنظیمی	ایجاد روابط بین شخصی	تفاهم	حقانیت	جهان اجتماعی
۴. کنش ارتباطی نمایشی	بازنمودی	خود بازنمایی	تفاهم	صداقت	جهان ذهنی

کنش راهبردی، هم‌ساز با نظم ابزاری و ویژگی نظام است؛ اما کنش‌های ارتباطی سه‌گانه، دارای نظامی ارتباطی است و در زیست‌جهان ظهور می‌یابد. برای داشتن تصویری بهتر از این دو نوع کنش، لازم است به تبیین مفهوم نظام و زیست‌جهان از دیدگاه هابرماس پرداخته شود.

۲-۳. مفهوم زیست‌جهان در برابر سیستم (نظام)

مفهوم زیست‌جهان به منزله افق همیشه حاضر کنش اجتماعی و به‌عنوان بستر بدیهی کنش است که هرگاه اقدام کنیم، همیشه در دسترس ما است (هابرماس، ۱۳۹۲، ص ۲۰). منظور از زیست‌جهان روزمره، عبارت است از حوزه‌ای از واقعیت بوده که افراد بزرگسال عادی، آن را امری مسلم می‌پندارند. جهان‌زیست، فی‌نفسه مقوله‌ای پیچیده و معضل‌زا نیست. به‌عقیده هابرماس، زیست‌جهان بستر غیرمستقیم چیزهای گفته شده و مورد خطاب قرار گرفته در یک موقعیت را تشکیل می‌دهد (نوذری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۷). او جهان‌زیست را عبارت از شبکه‌ای از پیش‌فرض‌هایی که به‌گونه شهودی، حاضر، آشنا و شفاف هستند، می‌داند. پیش‌فرض‌های مربوط به یک موقعیت یا شیء، جزئی از زیست‌جهان به‌شمار می‌روند (هابرماس، ۱۳۹۲، ص ۵۲۱). کنشگران ارتباطی، همواره در درون افق زیست‌جهان خود حرکت می‌کنند. آنها نمی‌توانند از زیست‌جهان، پای بیرون بگذارند. مفسران که خودشان نیز همراه کنش‌های گفتاری‌شان به زیست‌جهان تعلق دارند؛ می‌توانند به چیزی در زیست‌جهان اشاره کنند؛ چنانکه مثلاً می‌توانند به فکت‌ها، هنجارها یا تجارب اشاره کنند. ساختارهای زیست‌جهان، شکل‌های بین‌الذهانی تفاهم محتمل را وضع می‌کند و زیست‌جهان، پایگاه استعلایی است که در آن، گوینده و شنونده با یکدیگر تلاقی می‌کنند. جایی که آنها می‌توانند متقابلاً مدعی شوند که گفتارهای آنها با جهان عینی اجتماعی و ذهنی همخوانی دارد. جایی که آنها می‌توانند دعای اعتبار را نقد و تأیید کرده و اختلاف‌نظرها را حل و فصل کنند و به توافق برسند (هابرماس ۱۳۹۲، ص ۵۱۵-۵۱۶). بدون زیست‌جهان، هیچ ارتباطی صورت نمی‌گیرد و بدون کنش ارتباطی، هیچ‌گاه زیست‌جهان بازتولید نمی‌گردد. ارتباط در سه جهان (عینی، اجتماعی و ذهنی) از درون زیست‌جهان، صورت می‌گیرد (Habermas, 1987, p. 119). اما همین ارتباطات، طی فرآیندی بلندمدت، پس‌زمینه نهادی شده‌ای را شکل می‌دهد که زیست‌جهان هر کنش ارتباطی است. اگر ارتباط کلامی آرمانی در نظریه کنش ارتباطی تحقق یابد؛ آنگاه کنش ارتباطی در استعمارزدایی از زیست‌جهان مؤثر خواهد افتاد و آن را عقلانی خواهد کرد (پیوزی، ۱۳۷۸، ص ۷۵).

در حالی‌که زیست‌جهان، نظرگاه شناساهای کنشگر را درباره جامعه باز می‌نماید؛ نظام، بیانگر دیدگاهی بیرونی است که جامعه را از نظرگاه مشاهده‌کننده‌ای که هیچ‌گونه دخالتی در آن ندارد، می‌نگرد.



در تحلیل نظام‌ها با به هم پیوستگی کنش‌ها و اهمیت کارکردی کنش‌ها و نقش آنها در ابقای نظام، سروکار داریم. هریک از اجزای اصلی زیست جهان (فرهنگ، جامعه و شخصیت)، عناصر مربوط به خود را در داخل نظام دارند. بازتولید فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت، همه در سطح نظام اتفاق می‌افتد. به عبارتی، نظام در زیست جهان ریشه دارد و درنهایت، مشخصه‌های ساختاری خاص خود را آشکار می‌سازد. خانواده، نظام قضایی، دولت و اقتصاد از جمله این ساختارها هستند که به موازات تکاملشان، از زیست جهان فاصله می‌گیرند. عقلانی‌شدنی که در سطح نظام رخ می‌دهد، بیانگر تمایز و پیچیدگی هرچه بیشتر است. ساختارها رفته‌رفته خودکفاتر می‌شوند و هرچه ساختارها قدرت می‌گیرند؛ از دستیابی به توافق، دورتر می‌شوند و واقع‌شدن در فرآیند توافق در زیست جهان را محدود می‌کنند. ساختارهای عقلانی یا همان نظام، به جای ایجاد ظرفیت ارتباط و دستیابی به تفاهم از طریق اعمال نظارت خارجی و کنترل، ارتباط و دستیابی به تفاهم را تهدید می‌کنند (ریتزر و داگلاس، جی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۸). سرمایه‌داری کنونی زیست جهان که شامل حوزه عمومی، آموزش و پرورش و شهروندی است، ساختارهای بیرونی زیست جهان هستند؛ که به مدد پول و قدرت، دائماً بازتولید می‌شوند و با هدایت حوزه‌های زیست جهان، آنها را تحت سلطه خود درمی‌آورند. بدین‌سان، در نظم طبیعی زیست جهان، اختلال پیش می‌آید و کشمکش دائمی بین زیست جهان و سیستم رخ می‌دهد. کنش ارتباطی، تنها راه برون‌رفت از کشمکش بین سیستم و نظام و نجات زیست جهان از استعمار است (پیوزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵-۱۴۶). در زیست جهان، دیدگاه یکپارچگی اجتماعی جریان دارد؛ که جهان از طریق توافقی حاصل از ارتباط، یکپارچه می‌شود و محصول این یکپارچگی، انسجام اجتماعی است که از رهگذر کنش ارتباطی آغاز می‌شود (ریتزر و داگلاس، جی، ۱۳۹۳، ص ۶۰۹).

۲-۴. مفهوم حوزه عمومی

حوزه عمومی، عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها است؛ که در آن می‌توان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد و در آن، افراد برای مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند (Habermas, 1989, p. 73). زمانی که شهروندان، درباره مسائل موردعلاقه عمومی و منافع عمومی، به‌گونه آزاد با یکدیگر مشورت کنند، درواقع به‌صورت یک پیکره عمومی درمی‌آیند که به‌طور غیررسمی در برابر طبقه حاکمان عمل می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۶، ص ۴۶۶). زیست جهان، بستر شکل‌گیری حوزه عمومی است و هر زیست جهان این ظرفیت را دارد که حوزه عمومی خاص خود را شکل دهد (هابرماس، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴). منظور از سیطره عمومی، در وهله اول، قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل بگیرد. دسترسی به این قلمرو برای تمامی شهروندان، تضمین شده است. در هر گفت‌وگویی که در آن، افراد خصوصی گرد هم آیند تا پیکره عمومی را شکل دهند؛ بخشی از سیطره عمومی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، رفتار افراد، نه شبیه رفتار تجار یا افرادی حرفه‌ای است که در مورد امور شخصی به تبادل نظر



می‌پردازند و نه شبیه رفتار اعضای مؤسسه قاعده‌مند است که تابع محدودیت‌های حقوقی بروکراسی دولتی‌اند. شهروندان در این هنگام به‌مثابه پیکر عمومی رفتار می‌کنند؛ که به‌شیوه‌ای بی‌قیدوشرط و آزاد تبادل‌نظر کرده و با تضمین آزادی گردهمایی و مراوده و آزادی بیان، به انتشار عقیده دربارهٔ علاقه‌شان می‌پردازند. در پیکرهٔ عمومی وسیع، این نوع از ارتباط مستلزم ابزار خاصی برای انتقال اطلاعات و تأثیرگذاری بر گیرندگان این اطلاعات است. سیطرهٔ عمومی به‌مثابه سیطره‌ای است که میانجی دولت و جامعه است و در آن، عموم، خود را چون حاملان افکار عمومی سازمان می‌دهند (هابرماس، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵). تعبیر حوزهٔ عمومی در اطلاق به عرصهٔ اجتماعی به‌کار می‌رود؛ که در آن، افراد از طریق مفاهمهٔ ارتباط و استدلال مبتنی بر عقل، موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های هنجاری اتخاذ می‌کنند که بر فرآیند اعمال قدرت دولت، تأثیریاتی آگاهی‌دهنده و عقلانی باقی می‌گذارند؛ شرایطی که عاری از هرگونه فشار اضطراب یا اجبار درونی یا بیرونی است (نوذری، ۱۳۸۶، ص ۴۳۹). در فرآیند تکامل اجتماعی، مفهوم حوزهٔ عمومی به‌تدریج، در برداشت‌های مربوط به مرز بین حوزهٔ عمومی و خصوصی، دچار تغییر و جرح‌وتعدیل شد؛ تا جایی که حتی برخی مناسبات اقتصادی که مربوط به حوزه‌های خصوصی تلقی می‌شد، از قلمرو حوزهٔ خصوصی خارج شدند و در قلمرو حوزهٔ عمومی قرار گرفتند (نوذری ۱۳۸۶، ص ۴۴۳). با توجه به این مسئله که مفهوم حوزهٔ عمومی، مفهومی ناظر به دوران مدرنیته است که در ارتباط با رابطهٔ دولت و ملت پردازش شده است؛ در این نوشتار، اگر از حوزهٔ عمومی در زمانهٔ حضرت زهرا(س) سخن به میان می‌آید؛ بدون شک منظور، حوزهٔ عمومی به‌معنای مدرن و امروزی آن نیست. هابرماس نیز به تاریخ‌مندی و سیر تکوین تاریخی این واژه در دوران گوناگون در اروپا پرداخته است (هابرماس، ۱۳۸۱، ص ۲۷۶؛ خان محمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۱-۲۰۵)، و به‌نوعی قائل به تاریخ‌مندی این واژه است. از این‌رو، در این نوشتار به مشترکات و شباهت‌هایی در سیره و اندیشهٔ حضرت زهرا(س) اشاره شده که بستری را برای گفت‌وگو و گفتمان‌سازی ایجاد کرده است و این مفهوم را با جرح‌وتعدیل در بستر تاریخی حیات حضرت زهرا(س) و در تقابل با سلطه‌گران در آن دوران، به‌کار گرفته می‌شود.

۳. مؤلفه‌های کنش ارتباطی

پس از تبیین نظریهٔ کنش ارتباطی و مفاهیم آن در این بخش، به ذکر مؤلفه‌های نظریهٔ کنش ارتباطی پرداخته شده و سپس، یافته‌هایی را که از روش اسنادی و مطالعهٔ منابع موجود دربارهٔ اندیشه و سیرهٔ حضرت زهرا(س) به‌دست آمده، بر مؤلفه‌ها عرضه گردیده و از این طریق، کنش‌های ارتباطی در سخنان و جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا(س) آشکار خواهد شد. از مجموع آنچه دربارهٔ نظریهٔ کنش ارتباطی گفته شد، می‌توان مؤلفه‌های زیر را در رابطه برشمرد:

۱. کنش ارتباطی بر مبنای گفت‌وگو شکل می‌گیرد. گفت‌وگو به‌مثابه یک روش برای دستیابی به هدف به‌کار می‌رود و می‌تواند به نتایج تحول‌بخشی منجر شود. ظرفیت اندیشه‌ها را بارور می‌سازد و به‌صورت



فرآیندی، هم‌فکری و تحول را بازآفرینی می‌کند.

۲. کنش ارتباطی، کنش‌های افراد کنشگر از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ می‌شود. رسیدن به درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری در یک ارتباط متقابل، که نتیجه نهایی آن، حل و فصل منازعات اجتماعی، بدون هر خشونت است (ریترز، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱).

۳. افراد درگیر در کنش‌های ارتباطی، در قید موقعیت‌های شخصی خود نیستند؛ بلکه به دنبال نیل به هدف بر مبنای تعریف موقعیت مشترک هستند (هابرماس، ۱۹۸۴، ص ۲۸۶، به نقل از: ریترز، ۱۳۸۸، ص ۲۱۱).

۴. کنش ارتباطی، کنشی بین‌الذهانی و چندجانبه بوده و متضمن مفاهمه و گفت‌وگو دربارۀ احکام معطوف به حقیقت است (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

۵. در کنش ارتباطی هابرماس، زیست‌جهان بر نظام تفوق می‌یابد و اساساً بستر ظهور کنش ارتباطی، زیست‌جهان است و وفاق هنجاری، برآیند دیالکتیک کنش ارتباطی بین‌الذهانی و زیست‌جهان است. نظام، ساختارهای برآمده از زیست‌جهان بوده که بر آن استیلا یافته و زیست‌جهان را استعمار می‌کند. هابرماس رسیدن به جامعه آرمانی و گفت‌وگویی را تنها در سایه تسلط زیست‌جهان بر نظام، از طریق بسط کنش ارتباطی ممکن می‌داند.

۶. کنش ارتباطی در بستر کنش‌های ارتباطی تفاهمی و رهایی‌بخش، امکان ظهور دارد و در کنش استراتژیک یا راهبردی، انسان با همانندسازی با الگوی طبیعت به دنبال سلطه است. کنش تفاهمی، در پی فهم انسان‌ها از یکدیگر و ایجاد توافق و تفاهم بوده و کنش رهایی‌بخش، در پی پیشگیری تسلط کنش استراتژیک بر کنش ارتباطی تفاهمی است. کنش‌های سه‌گانه ارتباطی با بحث توانش زبانی و افعال گفتاری پیوند می‌خورد؛ انسان‌ها می‌توانند در زیست‌جهان‌های مختلف به سبب توانش زبانی با یکدیگر گفت‌وگو کنند. کنش‌های گفتاری اظهاری (ارائه واقعیت)، تنظیمی (ایجاد روابط بین‌شخصی) و بازنمودی (خودبازنمودی یا عاطفی)، به کنش ارتباطی می‌انجامد و کنش گفتاری، امری منجر به کنش استراتژیک و غیرارتباطی می‌شود. ظرفیت تفاهمی موجود در کنش کلامی به کنش اجتماعی سرایت می‌کند و نوعی تفاهم گفتاری را در پی دارد (خان محمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۲).

۴. روش پژوهش

این پژوهش از طریق مطالعات کیفی، به روش مطالعه اسنادی با بهره‌گیری از تکنیک تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است. روش مطالعه اسنادی، ریشه در پارادایم تفسیری دارد و مفاهیم و نظریات را درباره مسائل اجتماعی در اسناد و متون منعکس می‌کند. در روش اسنادی از تکنیک‌ها و فنون مختلفی همچون فراتحلیل کیفی، تحلیل محتوا، تحلیل ثانویه، کدگذاری و طبقه‌بندی استفاده می‌شود (صادقی فسانی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ص ۸۷). نمونه‌گیری در این نوع پژوهش، از منابع و با شیوه عمدی و نظری



صورت می‌پذیرد (فلیک، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹). برای دستیابی به مفاهیم کلیدی و مرتبط با کنش ارتباطی در سخنان و سیره حضرت زهرا(س) با خوانش مکرر خطبه حضرت زهرا(س) و تأمل در سیره عملی ایشان، سعی شد تا انواع سه‌گانه کنش ارتباطی برآمده از افعال گفتاری در خطبه حضرت زهرا(س) شناخته شده و با صورت‌بندی و دسته‌بندی افعال گفتاری و کنش‌های سه‌گانه ارتباطی موجود در خطبه‌ها و سیره زندگی حضرت و نیز توجه به مفهوم حوزه عمومی، مدل مفهومی بدست آید که کنش ارتباطی را گونه‌شناسی و بازنمایی کند.

۵. پیشینه پژوهش

تحقیقات معدودی در مورد کنش ارتباطی در متون و نصوص دینی انجام شده است؛ ولی پژوهشی با موضوع گونه‌شناسی کنش ارتباطی در اندیشه و عمل حضرت زهرا(س) یافت نشد. برخی پژوهش‌ها در پی ایجاد رهیافت‌های جدیدی از کنش و عقلانیت ارتباطی در بستر اندیشه دینی بوده‌اند. به‌عنوان نمونه، خان‌محمدی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «قرآن و عقلانیت ارتباطی»، ضمن تشریح و تبیین کنش ارتباطی و عقلانیت ارتباطی، در پی بازسازی عقلانیت نص‌محور و قرآن‌محور براساس اندیشه علامه طباطبائی بوده است. عباسپور (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی روش‌شناسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس با رویکرد انتقادی» ضمن بررسی کنش و عقلانیت ارتباطی و مقایسه آن با مبانی معرفتی و هستی‌شناسی اسلام، به نقد نظریه هابرماس می‌پردازد. الویری و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه چگونگی کارکردهای گفت‌وگو در سیره نبوی»، به بررسی کارکردهای گفت‌وگو در سیره عملی نبی اکرم(ص) در صدر اسلام با نگاهی به نظریات هابرماس پرداخته است. وی با تکیه بر سیر نگاشت‌ها نتیجه می‌گیرد که گفت‌وگو در سیره عملی پیامبر، از ویژگی‌هایی چون آزادی بیان، برابری در گفت‌وگو، صبر و حوصله و استماع دقیق برخوردار بوده و کارکردهایی چون تبلیغ، حفظ همگرایی و رفع شبهات داشته است. برخی تحقیقات با بررسی کنش گفتاری جان سرل که با کنش ارتباطی هابرماس نزدیکی دارد؛ انحاء کنش گفتاری را در برخی متون دینی مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، طباطبائی لطفی و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج‌البلاغه براساس کنش گفتاری جان سرل و جلوه‌های افعال گفتاری امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. صیادی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه براساس نظریه سرل» به صورت‌بندی گزاره‌های این خطبه براساس نظریه افعال گفتاری سرل پرداخته‌اند.

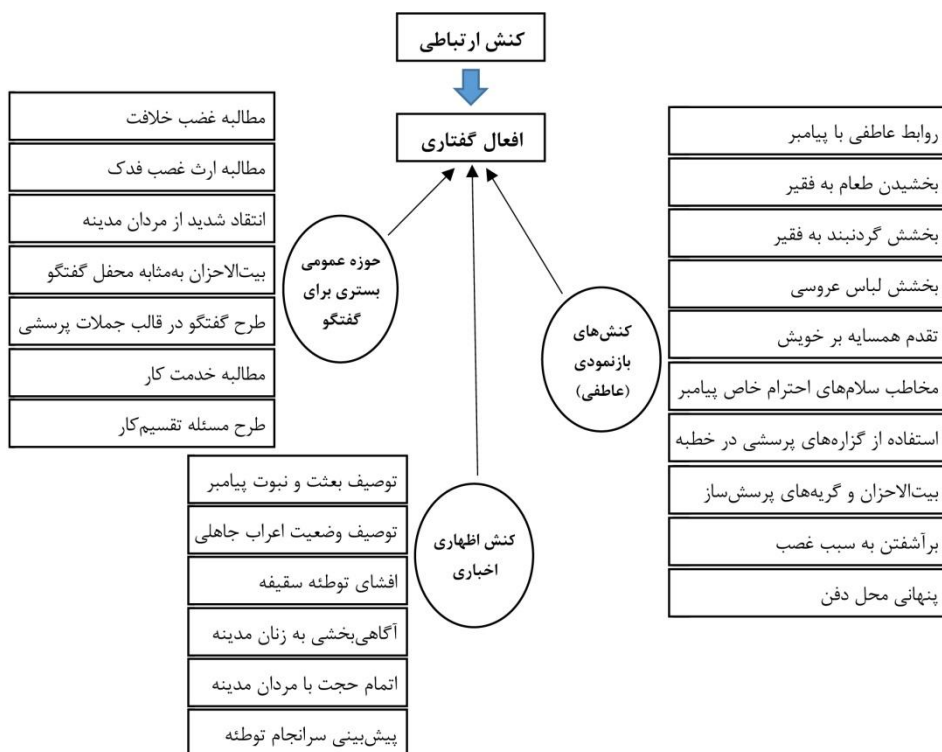
۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. کنش ارتباطی در سخنان حضرت زهرا(س)

از حضرت زهرا(س)، خطبه‌ها و سخنانی دربردارنده مضامین عالی و عمیق اخلاقی، عرفانی،



سیاسی و اجتماعی نقل شده است؛ که خطبه فدکیه و خطبه مشهور به خطبه عیادت زنان از حضرت زهرا(س) از مشهورترین این خطبه‌ها است. خطبه‌ها و سخنان معصومین(ع)، متونی هستند که در ساختار و چارچوب تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر و دوران ایشان شکل گرفته‌اند. مضمون خطبه‌ها و سخنان حضرت زهرا(س) نیز در تبیین اندیشه توحیدی و اجتماعی اسلام و هشدار نسبت به جریان‌های انحرافی در زمان ایشان است. برای دستیابی به مفاهیم مرتبط با کنش ارتباطی در سخنان و سیره حضرت زهرا(س)، با خوانش مکرر دو خطبه اصلی حضرت زهرا(س) و تأمل در سیره عملی ایشان، انواع سه‌گانه کنش ارتباطی برآمده از افعال گفتاری در خطبه حضرت زهرا(س) شناسایی شده و با صورت‌بندی و دسته‌بندی افعال گفتاری و کنش‌های سه‌گانه ارتباطی موجود در خطبه‌ها و سیره زندگی حضرت و نیز توجه به مفهوم حوزه عمومی، تلاش شد مدل مفهومی بدست آید که کنش ارتباطی را بازنمایی کند. نمودار (۱)، بیانگر اصلی‌ترین مفاهیم به‌دست آمده است.



نمودار ۱- مدل گونه‌شناسی کنش ارتباطی حضرت زهرا(س)

۱-۱-۶. کنش‌های اظهاری آگاهی‌بخش

کنش‌های اظهاری، آن دسته از کنش‌های اعتباری هستند که مربوط به جهان عینی بوده و باهدف



تفاهم صورت می‌پذیرد. داعیه اعتبار صدق و کارکرد ارائه واقعیت، از ویژگی‌های آن است و در قالب جملات اخباری ظاهر می‌شود. شرح یا گزارشی از امور، طرح مواضع و دعاوی، در زمره افعال گفتاری اخباری هستند. استفاده فراوان از کنش اظهاری در خطبه عیادت حضرت زهرا(س) نشان می‌دهد که ایشان در پی آگاهی‌بخشی به مردم مدینه و زدودن نیرنگ و فریب و تردید و دودلی از مردم بودند. تبیین اندیشه توحیدی اسلام و توصیف بستر نبوت پیامبر(ص)، افشای جریان سقیفه و پیش‌بینی سرانجام توطئه و بیان دلایل حقانیت حضرت علی(ع) و نیز اتمام حجت با مردان و زنان مدینه، مباحثی بود که حضرت با شیوه کنش اظهاری به تبیین آن پرداختند. بخش آغازین خطبه فدکیه، مشحون از گزاره‌های اظهاری در راستای آگاهی‌بخشی به مردم مدینه است. در خطبه عیادت زنان از حضرت نیز کنش‌های اظهاری در راستای بر ملا ساختن توطئه اهل سقیفه و مطالبه غصب خلافت امیرمؤمنان(ع) است. به گونه‌ای که بیشترین کنش ارتباطی اظهاری در خطبه عیادت زنان مدینه مشاهده می‌شود؛ که ۲۸ مورد از جملات خطبه عیادت را شامل می‌شود (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۶). در بخش دوم خطبه فدکیه که گفت‌وگوی حضرت زهرا(س) با ابوبکر است؛ موارد فراوانی از جملات پرسشی در قالب استفهام انکاری یا مجازی وجود دارد، که جمعاً ۳۱ گزاره پرسشی را شامل می‌شود. هدف حضرت در این گزاره‌ها با استفاده از این نوع کنش گفتاری، دعوت مخاطب به اندیشیدن است که بیانگر شناخت عمیق گوینده نسبت به بافت موقعیتی خطبه و نیز شناخت مخاطبان بوده و بستر ساز گفتمان حضرت زهرا(س) است (صیادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶۱-۱۶۳).

۶-۱-۲. کنش‌های بازنمودی (عاطفی)

تأمل در سیره، خطبه‌ها و روایات مربوط به حضرت فاطمه(س)، موارد فراوانی از کنش‌های بازنمودی و یا عاطفی را آشکار می‌سازد؛ که در کنش ارتباطی، کنش‌هایی مربوط به جهان ذهنی و با داعیه اعتبار صداقت هستند. کارکرد ارتباطی کنش‌های بازنمودی، تبیین وضعیت جهان ذهنی و روحی گوینده کلام است و شامل احساسات و عواطف، انگیزه‌ها و نیت‌ها و نیز عقاید فرد می‌شود. مواردی مانند نامیدن حضرت زهرا(س) به «ام‌اینها» به سبب محبت‌های خاص و فراوان ایشان به پیامبر اکرم(ص) که به سبب کنش‌های عاطفی و محبت‌های فراوان از سوی فاطمه زهرا(س) در روزهای سخت زندگانی نبی اکرم(ص) بوده است و یا بخشیدن طعام به فقیر، اسیر و یتیم در سه روز متوالی (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۳۲)، کنشی عاطفی محسوب می‌شود. جریان بخشش‌های مکرر حضرت زهرا(س) مانند بخشش لباس عروسی (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵) و یا بخشیدن گردنبند به فقیر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۷) و یا جریان دعای حضرت برای همسایگان و حدیث معروف «الجار ثم الدار» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۲)، نمونه‌های دیگری از کنش‌های بازنمودی-عاطفی‌اند که می‌توانند مؤیدی بر کنش‌های ارتباطی حضرت در پیوند با اندیشه توحیدی اسلام باشند. روایات فراوانی، حکایت از محبت



خاص و بی نظیر پیامبر اکرم(ص) به حضرت زهرا(س) دارند (شریعتمداری جهرمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). بلند شدن پیامبر(ص) در مقابل حضرت زهرا(س)، سلام‌های هر روز پیامبر(ص) به ایشان و حتی بوسیدن دست و پیشانی فرزندان که در روایات متعددی نقل شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۵۴)، همه بیانگر کنش‌های عاطفی دوطرفه هستند که حضرت زهرا(س) در یک سمت این کنش‌ها است. علاوه بر کنش‌های عاطفی فوق، در آخرین فصل از زندگانی حضرت زهرا(س) پس از رحلت پیامبر(ص) نیز شاهد طیف گسترده‌ای از کنش‌های عاطفی از سوی ایشان هستیم که همراه با کنش‌های اظهاری، شبکه وسیع و مستحکمی از کنش‌های ارتباطی را شکل داده‌اند. گریستن در بیت‌الاحزان و موجی از گریه‌های پرسش‌ساز که تکانه‌های شدیدی در بین مردم مدینه پس از فوت پیامبر(ص) و غصب غاصبان ایجاد کرد. برآشفتن مکرر حضرت زهرا(س) در مقابل حاکمان غاصب و نشان دادن خشم و ناراحتی و نفرت از کسانی که خود را جانشین پیامبر(ص) معرفی کرده‌اند و ارثیه ایشان را غصب کردند؛ چنانکه در دو خطبه فدکیه و عیادت، به روشنی مشهود است؛ و در نهایت، کنش عاطفی حضرت در پنهان داشتن محل دفن خویش از مردم و غاصبان که با وصیت به همسرشان خواستار آن شدند و آثار این کنش عاطفی در طول تاریخ اسلام، نوعی مبارزه در سکوت را ایجاد کرده است. مبارزه‌ای که در کنار ۳۲ گزاره پرسشی خطبه فدکیه، شاهد دیگری بر شیوه پرسش‌سازی حضرت و تلاش برای تغییر گفتمان حاکمان به شیوه کنش ارتباطی در ذیل اندیشه و حیانی حضرت زهرا(س) است.

۶-۱-۳. کنش گفتمان‌ساز حضرت زهرا(س) در بستر کنش تفاهمی و رهایی‌بخش

کنش‌های گفتمان‌ساز حضرت زهرا(س) در بستر کنش‌های ارتباطی و تفاهمی و رهایی‌بخش قابل تحلیل است. برخلاف کنش استراتژیک یا راهبردی که در آن، آدمی به دنبال سلطه است؛ کنش تفاهمی در پی فهم انسان‌ها از یکدیگر و ایجاد توافق و تفاهم بوده و کنش رهایی‌بخش، در پی پیشگیری تسلط کنش استراتژیک بر کنش ارتباطی-تفاهمی است. فراوانی کنش‌های اظهاری و بازنمودی در گفتار و رفتار حضرت زهرا(س) نشان می‌دهد که برآیند افعال گفتاری ایشان (کنش‌های گفتاری، اظهاری و بازنمودی)، کنش‌های ارتباطی و تفاهمی در برابر کنش استراتژیک و سلطه‌گرانه حاکمان است؛ که در مسئله اعتراض به غصب فدک و غصب خلافت و نیز گریه‌های پرسش‌ساز ایشان و یا بیت‌الاحزان به مثابه محفل گفت‌وگو، خود را نشان می‌دهد. می‌توان گفت، کنش‌های حضرت زهرا(س)، علاوه بر بسترسازی برای تفاهم و گفت‌وگو، از جهتی دیگر کنش رهایی‌بخش در راستای پیشگیری از تسلط هرچه بیشتر کنش استراتژیک حاکمان و غاصبان آن روزگار نیز بوده است.

۶-۲. حوزه عمومی و اخلاق گفت‌وگویی

۶-۲-۱. مطالبه غصب خلافت و غصب فدک

اگر از ایجاد حوزه عمومی و اخلاق گفت‌وگویی در زمانه حضرت زهرا(س) و روزهای پس از رحلت



نبی مکرم اسلام سخن می‌گوییم؛ حوزه عمومی را قصد می‌کنیم که در بستر تاریخی و بافت جامعه آن روزگار شکل گرفته است. هابرماس نیز چنانکه اشاره شد، زمانی که از حوزه عمومی سخن می‌گوید، این اصطلاح را در بافت تاریخ‌مند نیز بررسی می‌کند. منظور از شکل‌گیری حوزه عمومی توسط حضرت زهرا(س) در برابر سلطه غاصبان خلافت، فضای گفت‌وگویی است که تنها شباهت‌ها و مشترکاتی با حوزه عمومی طرح‌شده توسط هابرماس دارد. محتوای خطبه‌های حضرت زهرا(س) که در بافت و بستر تاریخی جامعه آن زمان ایراد شده است، در پی ایجاد بستری برای گفت‌وگو در برابر سلطه غاصبان خلافت و غاصبان فدک است و در حقیقت، اولین زمینه‌گفت‌مان درباره این موضوعات را به‌طور گسترده‌ای ایجاد کرد. گفت‌مانی اعتراضی که آثار آن، بعد از رحلت ایشان به آرامی، خانه به خانه و محفل به محفل در بین مسلمین نقل می‌شد و در بستر تاریخ، جریانی را به‌صورت مستمر شکل داد که تا زمانه ما نیز ادامه دارد. این اعتراض به انحاء مختلف در محافلی همچون مسجد، محافل زنانه همچون محفل عیادت از حضرت و گفت‌وگوهای متعدد حضرت با صحابه پیامبر(ص)، همراه با طیف گسترده‌ای از کنش‌های عاطفی و اظهارهای انعکاس یافته است.

مطالبه فدک که ارثیه و یا به استناد برخی روایات، هدیه پیامبر(ص) به حضرت زهرا(س) بود (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۶۱) و از جانب حاکمان غصب شده بود؛ گفت‌مان‌سازی دیگری توسط حضرت زهرا(س) در آن زمان است. دورانی که هنوز چندی از زنده‌به‌گور کردن دختران نگذشته و پدران و مادران آن نسل زنده در گور شده، هنوز در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند. بی‌شک، زنان هنوز از حقوق چندانی برخوردار نیستند و هنوز ریشه‌های تعصب جاهلی نسبت به زن و حقوق او خشکانده نشده است. در این بافت اجتماعی، حضرت زهرا(س) با بیان اعتراض خود در مقابل عملکرد حاکمان، با شجاعت به مطالبه حق خویش می‌پردازد و از آن چشم‌پوشی نکرده، در برابر تضییع حقش سکوت نمی‌کند. این گفت‌مان اعتراضی، منشأ شکل‌گیری حق مطالبه‌گری برای زنان در جامعه‌ای است که هنوز آنان را به‌رسمیت نمی‌شناسد. اگرچه اغراض سیاسی نیز در غصب فدک بسیار مؤثر بوده است؛ اما به‌نظر می‌رسد تعصب جاهلی حاکمان، در مقابل آیات حق سهم‌الارث زنان در قرآن کریم، نمی‌توانسته است مستقیماً حضرت زهرا(س) را از ارث محروم کند. از این‌رو، به دلیل سستی استناد می‌کند که فرزندان انبیاء از آنان ارث نمی‌برند (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۲۳). دلیلی که هیچ پایه‌ای در سنت و سیره رسول خدا و انبیاء ندارد. حضرت فاطمه(س) در دفاع از حق خود می‌فرماید: «سبحان الله، پدرم، رسول خدا نه از کتاب خدا روی‌گردان و نه مخالف احکام قرآن؛ بلکه او پیرو دستورات قرآن و تابع سوره‌های آن بوده است. آیا بر خیانت، اجتماع می‌کنید و به او (پیامبر) نسبت باطل می‌دهید. کار شما بعد از مرگ پیامبر(ص) شبیه «شرّ اغانله» ای است که علیه او در زمان حیاتش انجام می‌دادید. این کتاب خدا است که حاکم عادل و سخنگوی فیصله‌بخش است. «يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد» (مریم، ۶). «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»، «و سلیمان از داوود ارث برد» (نمل، ۲۷). خدای عزوجل در



آنچه از تقسیم سهم‌ها، تشریع واجبات و میراث و تعیین بهره‌پسران و دختران بیان و روشن نمود، دلیل باطل‌گرایان را کنار زد و گمان و شبهات آیندگان را برطرف کرد. چنین نیست، بلکه نفس شما، کار را برای شما آراسته نمود. پس، صبر زیبا است. بر آنچه توصیف می‌کنید، از خداوند یاری می‌خواهم».

۶-۲-۲. جریان تقسیم کار و طلب خدمتکار به‌مثابه دو بستر گفت‌وگو

جریان تقسیم کار بین حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع) توسط پیامبر، می‌تواند بیانگر داشتن حق پرسش و مطالبه‌گری و ایجاد زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره‌ی نوع کار خانگی و حجم و میزان سختی آن باشد. پیامبر(ص) بعد از مطالبه حضرت زهرا(س) و شنیدن سخنان ایشان، کارهای خانه را به دو بخش تقسیم کردند. بخشی از کارهای خانه که به بیرون خانه مرتبط می‌شد، از قبیل تأمین آب یا هیزم و یا شاید خرید مایحتاج، و دسته‌ای دیگر از کارهای مربوط به درون خانه همچون آشپزی یا نان‌پختن و امور فرزندان. در تقسیم پیامبر اکرم(ص)، آن بخش از کارهای خانه که با فضای بیرون خانه مرتبط بود به علی(ع) واگذار شده و از دوش حضرت زهرا(س) برداشته شد و حضرت، از این تقسیم خشنود و راضی شدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱، ۳۱). مؤید چنین برداشتی از روایت تقسیم کار، روایت منقول از امام صادق(ع) در این‌باره است که بیان می‌کند، در این تقسیم کار که با هدایت پیامبر(ص) صورت گرفت، هیزم و آب خانه را حضرت علی(ع) فراهم می‌آورد و خانه را رفت‌وروب می‌کرد و حضرت زهرا(س) نیز آسیاب می‌کرد و با خمیر، نان می‌پخت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۵۱). این روایت شریف، تقویت‌کننده این ایده است که اصل تقسیم کار، تنها مربوط به کارهای خانه بوده است. تأمل در روایات دیگر نیز نشان می‌دهد که فراتر از چارچوب این تقسیم، روح اخلاق همواره بر روابط ایشان حاکم بوده و میزان همدلی و همکاری بین آنها به‌گونه‌ای بوده است که هریک، فشار کار را از دوش طرف دیگر رفع می‌کردند. روزی رسول خدا(ص) بر آنان وارد شد و مشاهده کرد که آن‌دو، هردو باهم، سرگرم آسیاب کردن هستند. پرسید: کدامتان خسته‌تر است؟ علی(ع) فرمود: فاطمه از من خسته‌تر است. رسول خدا(ص) به‌جای فاطمه(س) مشغول آسیاب کردن گندم شدند (رحمانی همدانی، ۱۳۷۸، ص ۴۹۵). در جریان دیگری، حضرت زهرا(س) به‌سبب سختی و فشار کارهای خانه، از پیامبر اکرم(ص) طلب خدمتکار کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۲). به‌نظر می‌رسد چنین مطالباتی، زمینه و بستری را برای گفت‌وگو بر سر مسائل مربوط به زنان و نقش کار خانگی فراهم می‌آورد؛ که علی‌رغم سختی مفرط، همیشه در هاله‌ای از ابهام و نادیده شدن قرار می‌گیرد و بیانگر این حقیقت است که نه‌تنها انسداد یا فروبستگی در زمینه چنین مطالباتی وجود ندارد، بلکه حق طبیعی زن محسوب می‌شود.

۶-۲-۳. انتقاد و مطالبه از مردان مدینه

در جریان عیادت زنان مدینه از حضرت زهرا(س) که با هدف دل‌داری و دلجویی از ایشان صورت گرفت، حضرت به‌جای تعریف اوضاع یا احوال خود، رفتار مردان مدینه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و



خشم و ناراحتی خود نسبت به بی تفاوتی آنان را بیان می‌دارد و در پاسخ زنان مدینه که جویای احوال ایشان شدند و پرسیدند: ای دختر رسول خدا چگونه شب را به سر بردی و صبح کردی؟ به جای بیان حال خود، مردان مدینه را مورد انتقاد قرار داده و فرمودند: «أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكَنَّ، قَالِيَّةً لِرِجَالِكُنَّ، لَفْظُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَشَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸)؛ «به خدا در حالی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم، مردان شما را دشمن می‌شمارم و از آنها بیزارم. درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش به دور افکندم و از آنچه کردند ناخشنودم». در حقیقت، حضرت زهرا(س) با استفاده از ظرفیت زنان، پیام و سخن خود را به محافل خانوادگی مردم مدینه کشاندند؛ چراکه به نوعی شکل دهی حوزه گفتگومانی در جمع خانواده و فامیل منجر می‌شد. بدون شک، هریک از زنان، حاملانی خواهند بود که اندیشه و سخنان حضرت را در نزد همسر و در جمع خانواده و فامیل بیان کرده و به این شکل، گفتمان و مطالبات حضرت از سلطه‌گران، در حوزه و سطوح بنیادی جامعه، یعنی خانواده‌ها، به صورت وسیع انتقال یافت. حضرت فاطمه(س) در بخشی از این توصیفات می‌فرماید: «برای خویشتن چه بد ذخیره‌هایی تدارک دیدند و پیش فرستادند. خداوند بر آنان خشم گرفته و در عذاب الهی، جاویدان خواهند بود. بدون شک، مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی، همواره بر گردن ایشان سنگینی خواهد کرد. ناچار، کار را به آنها واگذار و ننگ عدالت‌کشی را برایشان باز کردم. نفرین بر این مکاران باد و ستمگران از رحمت حق دور خواهند بود» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸). این توصیفات، بیانگر انتقاد شدید آن حضرت از جو سنگین و آلوده به دنیای مردان مدینه است؛ که آنان را به بازنگری در شیوه و روش فریبکارانه‌شان دعوت می‌کند.

۶-۳. تلاش برای رفع سلطه نظام بر زیست‌جهان

ساختارهای برآمده از قدرت قومی و قبیله‌ای که با حمایت جریان زر و تزویر توانسته بودند قدرت حکومت را بعد از نبی اکرم(ص) در اختیار گیرند؛ سیستم و نظامی را شکل دادند که امکان تفاهم و گفت‌وگو را از میان می‌برد و با سلطه و کنش استراتژیک خود، اخلاق گفت‌وگویی و امکان کنش‌های بخشی را در زیست‌جهان جامعه آن روزگار، به انزوا می‌کشاند. می‌توان کنش‌های اظهاری و عاطفی حضرت زهرا(س) را تلاشی برای غلبه بر نظام و ساختار و ایجاد فضای گفت‌وگویی در بین مردم دانست. کنش‌های ارتباطی که نظام را در هر فرصتی، از محفل عبادت گرفته تا گفت‌وگوی ساده با افراد و نزدیکان و یا در قالب سوگواری و گریستن بر نبی اکرم(ص)، به چالش می‌کشید و در پی گفتمان‌سازی علیه سلطه حاکمان و غاصبان بود. این تلاش‌ها تا جایی ادامه یافت که به شهادت حضرت زهرا(س) انجامید. براساس چنین چشم‌اندازی می‌توان حضرت زهرا(س) را شهیده ساختارها نامید.

۷. نتیجه‌گیری

برای دستیابی به گونه‌شناسی کنش ارتباطی در سخنان و سیره حضرت زهرا(س)، با خوانش مکرر



خطبه حضرت زهرا(س) و تأمل در سیره عملی ایشان، سعی شد تا انواع سه‌گانه کنش ارتباطی برآمده از افعال گفتاری در خطبه حضرت زهرا(س) شناخته شده و با صورت‌بندی و دسته‌بندی افعال گفتاری و کنش‌های سه‌گانه ارتباطی موجود در خطبه‌ها و نیز توجه به مفهوم حوزه عمومی، به مدل مفهومی دست یابیم که کنش‌های ارتباطی در خطبه‌ها و سیره عملی حضرت زهرا(س) را بازنمایی کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سه مضمون اصلی استفاده از کنش‌های اظهاری و ظرفیت‌سازی منحصر به فرد کنش‌های بازنمودی (عاطفی) و نیز فراهم آوردن بستر گفت‌وگو، به‌طور وسیع و معنی‌داری در خطبه‌ها و روایات و سیره حضرت زهرا(س) انعکاس یافته و مضامین فرعی فراوانی را به خود اختصاص داده است. تبیین اندیشه توحیدی اسلام و توصیف بستر نبوت پیامبر(ص)، افشای جریان سقیفه و پیش‌بینی سرانجام توطئه و بیان دلایل حقانیت حضرت علی(ع) و نیز اتمام حجت با مردان و زنان مدینه، مباحثی بود که حضرت با شیوه کنش اظهاری به تبیین آن پرداختند. بخش آغازین خطبه فدکیه، مشحون از گزاره‌های اظهاری در راستای آگاهی‌بخشی به مردم مدینه است. در خطبه عیادت زنان از حضرت نیز، کنش‌های اظهاری در راستای بر ملا ساختن توطئه اهل سقیفه و مطالبه غصب خلافت امیر مؤمنان است. به‌گونه‌ای که بیشترین کنش ارتباطی اظهاری در خطبه عیادت زنان مدینه وجود دارد؛ که ۲۸ مورد از جملات خطبه عیادت را شامل می‌شود. در بخش دوم خطبه فدکیه، که گفت‌وگوی حضرت زهرا(س) با ابوبکر است، با موارد فراوانی از جملات پرسشی در قالب استفهام انکاری یا مجازی مواجه می‌شویم؛ که جمعاً ۳۱ گزاره پرسشی را شامل می‌شود. هدف حضرت در این گزاره‌ها با استفاده از این نوع کنش گفتاری، دعوت مخاطب به اندیشیدن است؛ که بیانگر شناخت عمیق‌گوینده نسبت به بافت موقعیتی خطبه و نیز شناخت مخاطبان بوده و بسترساز گفتمان حضرت زهرا(س) است. موارد فراوانی از کنش‌های بازنمودی و یا عاطفی که کنش‌هایی مربوط به جهان ذهنی و با داعیه اعتبار صداقت هستند، در خطبه‌ها و سخنان و سیره عملی حضرت زهرا(س) یافت می‌شود. کارکرد ارتباطی کنش‌های بازنمودی، تبیین وضعیت جهان ذهنی و روحی گوینده کلام است و شامل احساسات و عواطف، انگیزه‌ها و نیت‌ها و نیز عقاید فرد است. مواردی مانند نامیدن حضرت زهرا(س) به «ام‌ایها» به‌سبب محبت‌های خاص و فراوان حضرت به پیامبر اکرم(ص) یا بخشیدن طعام به فقیر، اسیر و یتیم در سه روز متوالی، جریان بخشش‌های مکرر حضرت زهرا(س) مانند بخشش لباس عروسی و یا بخشیدن گردنبند به فقیر، گریستن در بیت‌الاحزان و موجی از گریه‌های پرسش‌ساز، برآشتن مکرر حضرت زهرا(س) در مقابل حاکمان غاصب و نشان دادن خشم و ناراحتی و نفرت از کسانی که خود را جانشین پیامبر(ص) معرفی نموده و ارثیه ایشان را غصب کردند؛ چنانکه در دو خطبه فدکیه و عیادت، به‌روشنی مشهود است؛ و درنهایت، کنش عاطفی حضرت در پنهان داشتن محل دفن خویش از مردم و غاصبان که با وصیت به همسرشان خواستار آن شدند، نمونه‌هایی از کنش‌های بازنمودی-عاطفی برآمده از پیوند با اندیشه توحیدی اسلام هستند. چنین کنش‌های عاطفی در



طول تاریخ اسلام، نوعی مبارزه در سکوت را ایجاد کرده است. برآیند کنش‌های گفتاری حضرت زهرا(س)، کنش‌های ارتباطی تفاهمی و رهایی‌بخش است که در راستای پیشگیری از تسلط هرچه بیشتر کنش استراتژیک حاکمان و غاصبان آن روزگار نیز بوده است. کنش‌های اظهاری و عاطفی حضرت زهرا(س)، در هر فرصتی، از محفل عیادت گرفته تا گفت‌وگوی ساده با افراد و نزدیکان و یا در قالب سوگواری و گریستن بر نبی اکرم(ص)، کنش سلطه‌آمیز و استراتژیک حاکمان را به چالش می‌کشید. محتوای خطبه‌های حضرت زهرا(س) با محوریت دو مسئله مطالبه غصب خلافت و غصب فدک که در بافت و بستر تاریخی جامعه آن زمان ایراد شده است، در پی ایجاد بستری برای گفت‌وگو در برابر سلطه غاصبان خلافت و غاصبان فدک است و در حقیقت، اولین زمینه گفتمان درباره این موضوعات را به‌طور گسترده‌ای ایجاد کرد. گفتمانی اعتراضی که آثار آن، بعد از رحلت ایشان به آرامی، خانه به خانه و محفل به محفل در بین مسلمین نقل می‌شد و در بستر تاریخ، جریان را به‌صورت مستمر شکل داد. این اعتراض به انحاء مختلف در محافلی همچون مسجد، محافل زنانه همچون محفل عیادت از حضرت و گفت‌وگوهای متعدد حضرت با صحابه پیامبر(ص)، همراه با طیف گسترده‌ای از کنش‌های عاطفی و اظهاری، انعکاس یافته است. جریان تقسیم کار بین حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع) توسط پیامبر و نیز مطالبه خدمتکار توسط حضرت زهرا(س)، کنش‌هایی است که نمایانگر حق پرسش و مطالبه‌گری و ایجاد زمینه و بستری برای گفت‌وگو درباره نوع کار خانگی و حجم و میزان سختی آن است.



منابع

- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی‌تا). *بلاغات النساء*. قم: الشریف الرضی.
- الویری، محسن؛ مهربانی‌فر، حسین (۱۳۹۳). مطالعه چگونگی و کارکردهای گفتگو در سیره نبوی با نگاهی به نظریه کنش ارتباطی. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۲(۲)، ص ۴۳-۷۴.
- بهرامی کمیل، نظام (۱۳۸۸). *نظریه رسانه‌ها: جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: کویر.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۸). *یورگن هابرماس*. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
- خان محمدی، کریم (۱۳۹۹). *قرآن و عقلانیت ارتباطی*. تهران: نشر نی.
- خزاعی، محبوبه؛ خاکپور، حسین؛ حسومی، ولی‌الله (۱۳۹۸). تحلیل خطبه عیادت حضرت زهرا بر پایه کنش گفتاری. *تاریخ اسلام*، شماره ۸۰، ص ۵-۳۲.
- رحمانی همدانی، احمد (۱۳۷۸). *بهجه قلب المصطفی*. تهران: منیر.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ریتزر، جورج؛ داگلاس جی، گودمن (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن*. ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفعلی‌زاده. تهران: جامعه‌شناسان.
- شریعتمداری جهرمی، سید عبدالرسول (۱۳۸۹). *رازهای شگفت (نخبه‌البیان)*. ترجمه مهدی فصاحت. قم: طوبا.
- صادقی فسانی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش‌های اسنادی در علوم اجتماعی. *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۹، ص ۶۲-۹۱.
- صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتابفروشی داوری، ج ۱.
- صیادی‌نژاد، روح‌الله؛ حسینی باصری، سید کاظم (۱۳۹۷). تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه براساس نظریه سرل. *شیعه‌شناسی*، ۱۶(۶۱)، ص ۱۳۷-۱۶۶.
- طباطبائی لطفی، سید عبدالمجید؛ قاسمی، طاهره (۱۳۹۳). بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه کنش گفتاری. *سیاست متعالیه*، ۲(۶)، ص ۹-۳۰.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۰.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. تحقیق: محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تحقیق: مؤسسه بعثت. قم: دارالثقافه.
- عباسپور، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی روش‌شناسی نظریه کنش ارتباطی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲(۲)، ص ۳۵-۶۴.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قراچی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ یازدهم.
- قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. مصحح: حسین درگاهی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفا، ج ۴۳.



نوذری، حسینعلی (۱۳۸۶). بازخوانی هابرماس؛ درآمدی بر آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس. تهران: چشمه.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). بحران مشروعیت: تئوری دولت سرمایه‌داری مدرن. ترجمه جهانگیر معینی. تهران: نشر گام نو.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۱). سیطره عمومی. ترجمه هاله لاجوردی. ارغنون، شماره ۲۰، ص ۲۶۵-۲۷۸.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: مرکز.

وایت، استیون (۱۳۸۰). خرد عدالت و نوگرایی: نوشته‌های اخیر یورگن هابرماس. ترجمه محمد حریری اکبری. تهران: قطره.

Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action*. vol. 1. Boston: Beacon Press.

Habermas, J. (1987). *The Theory of Communicative Action Life World and System: a Critique of Functionalist Reason*. vol. 2. Trans by T. Maccarthy. Boston: Beacon Press.

Habermas, J. (1989). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into Category of Bourgeois Society*. Cambridge: Polity Press.